



بزرگ‌ترین معروف خدا ولایت امیرالمؤمنین(ع) است

محمدجواد ریاحی، پژوهشگر دینی گفت: بزرگ‌ترین معروف خدا، ولایت امیرالمؤمنین(ع) است و بدترین منکرش، بغض و دشمنی او؛

محمدجواد ریاحی، پژوهشگر دینی گفت: بزرگ‌ترین معروف خدا، ولایت امیرالمؤمنین(ع) است و بدترین منکرش، بغض و دشمنی او؛ پس مهم‌ترین امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام، دعوت مردم به سمت علی علیه السلام و دور نمودن آن‌ها از دشمنان اوست.

صدیق‌خداوند متعال در قرآن کریم، هدف از خلقت جن و انس را عبادت بیان کرده و فرموده است: وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي؛ من جن و انس را خلق نکرده‌ام مگر برای آنکه عبادت کنند. ولی به حق ناطق، امام جعفرصادق(ع) نیز در تفسیر این آیه شریفه به ابابصیر فرمودند: خداوند آنها را آفرید تا به عبادت امرشان کند.

مراد از این عبادت، اطاعت و بندگی پروردگار متعال و تذلل در پیشگاه اوست تا در نهایت، انسان به مقام قرب الهی و لقای حق نائل شده و تجلی گاه اسماء و صفات ربوبی شود.

حال که آشکار شد هدف از آفرینش جن و انس عبادت است، باید دانسته شود که عبادت خالق والامقام از چه راهی حاصل می‌شود و بهترین کار برای دست یافتن به آن چیست. مولای متقیان و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) در ابتدای خطبه بی نظیر توحیدیه خویش درباره روش عبادت خداوند فرموده اند: ان اول عباده الله معرفته؛ به یقین اول عبادت خدا، بزرگ‌ترین و برترین شیوه بندگی حق، معرفت و شناخت اوست. همچنین فرموده اند: وای به حال کسی و چاه و بل جهنم جایگاه آنکه نسبت به شناخت من جاهل بوده و حقم را شناخته باشد. آگاه باشید! به یقین حق من، همان حق خداست. آگاه باشید! به یقین حق خدا، همان حق من است.

همچنین بنابر فرمایش رسول اکرم(ص) همانطور که نماز، روزه و خمس و دیگر احکام دین واجب است، تبلیغ شخصیت، فضیلت و ولایت امیرمؤمنان علی(ع) که حقیقت دین است نیز بر هر انسانی لازم است.

این ضرورت و لزوم گاهی بیش از پیش خودنمایی می‌کند؛ آن هنگام که فرد یا افراد یا گروهی بی دانش و معرفت نسبت به پیشوایی اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و به طور خاص حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) نسبت به ایجاد شبهات و مسایل خلاف واقع اقدام می‌کنند و این اقدام موجب جریحه دار شدن احساسات پاک اهل دین و معنا از سویی و انحرافات دینی از دیگر سو می‌شود.

ایکنّا به انگیزه بازخوانی القاب و صفات نورانی مولای متقیان علی(ع) به گفت‌وگو با محمدجواد ریاحی، پژوهشگر دین و نویسنده کتاب ارزشمند «علی عالی اعلی» نشسته است. این کتاب به منظور معرفی و تبیین صفات حضرت امیر(ع) در سه جلد به بیان یکصد و بیست و یک لقب، فضیلت از القاب نورانی و قدسی امیرمؤمنان(ع) پرداخته است. با ما همراه باشید:

ایکنّا _ در آغاز سخن و به عنوان پژوهشگری کوشا و دغدغه مند در بیان مسائل دینی بفرمایید، بزرگ‌ترین دلیل و ضرورت نوشتن کتاب مهم، ارزشمند و پر نکته «علی عالی اعلی» از نظر شما چه بود؟

دلیل تألیف کتاب «علی عالی اعلی» علیه صلوات الله تعالی» به طور مفصل در پیشگفتار آن بیان شده است، ولی به طور مختصر عرض می‌شود که مهم‌ترین دلیل حقیر فقیر، سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است که در خطبه «غدير» لزوم تبلیغ فضائل و مناقب و ولایت علی مرتضی سلام الله علیه را آشکارا بیان کرده و همگان را موظف به این امر نموده و با فعل امر فرمودند: «فليبلغ الحاضر الغائب والوالد الولد الى يوم القيامة»، «پس بدون هیچ تردیدی باید تا روز قیامت تمام حاضران به غائبان و همه پدران به فرزندانشان ولایت علی علیه السلام را ابلاغ کرده و برسانند».

همچنین خود امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی دیگر خطاب به ابوذر و سلمان فرمودند: «لَعَمْرِي أَنتَ ذَلِكْ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ»، «به جانم سوگند که شناخت من به (مقام) نورانیت، بر هر مرد و زن مؤمنی واجب است».

بنابر این، تبلیغ شخصیت و فضیلت و ولایت مولای متقیان علی(ع) و اصل و ریشه و حقیقت دین و ایمان، امیرمؤمنان علیه السلام مانند نماز و روزه و خمس و دیگر احکام دین بر همگان واجب شرعی است و بلکه اوجب واجبات. زیرا هدف از خلقت جن و انس که

معرفت حضرت حق و عبادت اوست جز از طریق شناخت اسماء و صفات الهی ممکن نیست و بدون این معرفت و شناخت، عبادت او عبادتی جاهلانه و کورکورانه خواهد بود و مولای اهل یقین، سیدنا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «أنا اسماء الله الحسنی»، «من زیباترین و نیکوترین نام های خدا هستم». پس شناخت خدا که هدف خلقت است، جز از طریق شناخت مولا امکان پذیر نیست؛ لذا فرمودند: «نحن الأعراف الذین لا یعرف الله إلا بسبیل معرفتنا»، «ما (چهارده نور پاک برگزیده الهی) آن اعراف (و مکان های رفیعی) هستیم که خدا فقط و فقط از راه شناخت ما شناخته می شود».

شرح این هجران و این خون جگر
این زمان بگذار تا وقت دگر
بزرگ ترین معروف خدا ولایت علی(ع) است
ایکنا _ در رابطه با سیمای عبادی، زهد و عدالت مولای متقیان علی(ع) کتاب مذکور مطالبی را به تفصیل نگاشته اید، لطفا در این مجال و به منظور آشنایی بیشتر مخاطبان ما نکاتی را بیان فرمایید.

درباره سیمای عبادی و زهد و عدالت و محاسن اخلاقی امیرمؤمنان علیه السلام کتاب های بسیاری نوشته و منتشر شده است؛ لذا هدف حقیر در تألیف این کتاب، نشر فضائل و مناقب و معرفی اندکی از مقامات باطنی و اسرار پنهانی آن عالی جناب بوده است که متأسفانه هم کمتر دانسته شده و هم کمتر بیان شده و هم مورد غفلت بسیاری از دوستان و محبان اهل البیت علیهم السلام واقع شده است.

فقط در پاسخ به سوال شما اختصاراً عرض می شود که امیرمؤمنان(ع) نه تنها عابد، زاهد، عادل و صادق است، بلکه تمام محاسن اخلاقی با پندار و گفتار او تعریف می شود و بلکه تمام خیر و خوبی و نیکی ها از وجود او در عالم منتشر گردیده است. لذا در زیارت پیشوایان هدایت علیهم السلام خطاب به ایشان عرض می کنیم: «ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و مأواه و منتهاه»، «هر خیر (و حقیقت پسندیده ای) که ذکر شود، شما ابتدای آن و اصل آن و فرع آن و معدن آن و جایگاه سکونت آن و نهایت و منتهی و آخر آن هستید». به عبارتی دیگر هر خیر و خوبی و صفات پسندیده ای از چشمه حقیقت شما جوشیده و در عالم امکان جاری شده و در نهایت به دریای وجود خودتان منتهی می شود. به طور مثال اینکه می گوئیم خدا عادل است، اگر علیّ علیه السلام نبود که مظهر و مظهر عدل پروردگار باشد، هرگز معنی عدالت به درستی فهمیده نمی شد. پس مولای متقیان، مولانا امیرمؤمنان علی علیه السلام نه تنها عادل است بلکه عین عدل است و بلکه خالق عدل است. و قس علی هذا.

ایکنا _ صدیق اکبر لقب اختصاصی امیرالمؤمنین(ع) است و در باره آن به تفصیل خواننده ایم با توجه به مسایل مطرح شده اخیر در رسانه ملی و همچنین فضای مجازی و از باب روشننگری عمومی در این زمینه توضیحاتی بفرمایید.

خداوند متعال فرموده است: «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین»، «بگو اگر راستگو هستید، برهان و دلیل خود را بیاورید». خدا را شاکرم که مذهب بر حق تشیع، چنان مبانی و اصول قوی و محکمی دارد که کوچک ترین خللی بر آن وارد نیست و لذا اگر احدی را از هر کیش و مذهبی، جرئت و ادعایی بر حقانیت خویش است، استدعا می کنم که در تریبونی رسمی به عنوان نماینده پیروان خود برای مناظره با شیر بچگان بیسه ولایت مرتضی علی علیه السلام اعلام آمادگی نماید تا در برنامه ای زنده، به استناد از کتب علما و بزرگان خودشان حق شناخته شده و خطا و جهل و اشتباه شان بر همگان آشکار گردد. به عنوان مثال، مولای زمین و زمان و حقیقت و تمام ایمان امیرمؤمنان علیه السلام با آن علم الهی خویش به امور گذشته و حال و آینده در روایتی که در مستندترین و معتبرترین کتب مخالفین نیز ذکر شده است، فرمودند: «أنا الصّدّيق الأكبر، لا یقولها بعدی الا کذاب»، «من صدیق اکبر هستم، بعد از من احدی چنین نسبتی به خود نمی دهد جز آنکه کذاب است». البته این فقط یک نمونه از صدها دلیل و روایاتی است که اختصاص لقب صدیق اکبر به علی علیه السلام را آشکار نموده و غاصبان القاب او را رسوا می کند. ولی هزاران افسوس که «أکثرهم لا یعقلون».

ایکنا _ حدیث معروفی از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند: «حق با علی(ع) است و علی(ع) با حق است و هرجا علی(ع) باشد حق گرد او می چرخد» در تفسیر این حدیث نکاتی را بیان فرمایید.

به طور مختصر عرض می شود که نکته دقیق این حدیث شریف این است که علی علیه السلام و حق، دو حقیقت جدای از هم نیستند که مثلاً حق اموری باشد و امیرمؤمنان علیه السلام مطابق آن رفتار نماید. بلکه هر دو یک حقیقت هستند و واحد. علی علیه السلام حق است و حق علی است. حق نام علی است، وجود علی است، ظهور علی است. چنانکه در بسیاری از تفاسیر معصومین(ع) دیده می شود که واژه حق در قرآن را به امیرمؤمنان علیه السلام تفسیر نموده اند.

اینکه حق گرد علی علیه السلام می گردد یعنی وجود حق وابسته به اوست و این حق مطلق و تنها خلیفه بلافصل بر حق، امیرمؤمنان علیه السلام است که با رضایتش، به حق هویت می دهد و با خشم و غضبش باطل را معرفی می کند. لذا در زیارت امامان معصوم علیهم السلام خطاب به ایشان عرض می کنیم: «الحق ما رضیتموه و الباطل ما أسخطتموه»، «حق آن چیزی

است که شما به آن راضی و خشنود باشید و باطل آن اموری است که شما را ناراحت و خشمگین کند». فتأمل.

ایکنا _ معیار قرآن کریم برای صدیق چیست؟

به نظر حقیر، معیار قرآن درباره صدق و راستی در این یک بیت خواجه شیرازی بیان شده است:

خَلْقِي زَبَانَ بِه دَعْوَى عَشْقِش نِهَادِه اَنْد
اَي مَن غَلَام اَنْكِه دَلَش بِا زَبَان يَكِي سَت

لذا می بینیم هنگامی که منافقان سرشناس صدر اسلام، نزد محمد صلی الله علیه و آله و سلم می آمدند و می گفتند: «ما گواهی می دهیم که بی شک تو رسول و فرستاده خدا هستی»، با اینکه این سخن راست و درستی است، ولی چون خدا می داند سخن آن ها از روی نفاق و بنابر مصلحتشان است، آن ها را کاذب و دروغگو خطاب می کند و می فرماید «و الله یشهد ان المنافقين لکاذبون». یعنی ای محمد، با اینکه حرف منافقان درست است و تو رسول من هستی، ولی چون این عقیده را در دل ندارند، کاذب و دروغگو هستند.

لذا به محضر ربوبی عرض می کنیم: «رَبِّ اَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صَدَقٍ وَ اُخْرِجْنِي مَخْرَجَ صَدَقٍ وَ اجْعَلْنِي مَن لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا».

ایکنا _ نکته اولی که جنابعالی در کتاب ارزشمندتان مرقوم فرموده اید در خصوص اول نامی است که خداوند متعال برای ذات بی زوال خویش برگزید و آن «علی عظیم» است، همچنین در گام بعدی از اشتقاق نام علی(ع) از نام خداوند رحیم یاد کرده اید؛ دلیل این اشتقاق از نظر شما چیست؟

به نظر بنده، دلیل این انتخاب و اشتقاق، عشق ذات حق متعال به جانشین خود علی مرتضی (ع) است. خدا هم عاشق و هم معشوق علی علیه السلام است و علی علیه السلام نیز عاشق و معشوق خداست.

چنانکه در زیارت امیرمؤمنان عرض می کنیم: «سلام بر تو ای حبیب خدا». حبیب الله یعنی آن کسی که هم او عاشق خداست و هم خدا عاشق اوست. پس کدام ذاتی است که عاشق اسماء و صفات خود نباشد و کدام اسماء و صفاتی ست که دل بر مدلول خود نبسته باشد؟!

ایکنا _ باب ۸۸ جلد سوم کتاب علی عالی اعلی به موضوع مهم «صدیق الله الاکبر» اختصاص یافته است و درباره امیرالمؤمنین (ع) به عنوان بزرگترین صدیق و راست پیشه پروردگار مطالبی آمده است، لطفا در این مجال درباره این مفهوم کمی توضیح دهید.

همان طور که فرمودید، در خصوص این لقب در باب ۸۸ کتاب، توضیح کامل داده شده است و فقط به طور مختصر عرض می شود که در معنای باطنی، صدیق به کسی گفته می شود که چون مطلبی را اراده و تصدیق نماید، آن مطلب در خارج محقق شده و مصداق خارجی پیدا کرده و انجام می شود.

یکی از کسانی که خدا در قرآن او را صدیق معرفی نموده، یوسف پیامبر است. او در تعبیر خواب آن زندانی که هم سلولش بود گفت که فردا تو را دار می زنند. پس او (خندید و) به یوسف گفت: من اصلاً چنین خوابی ندیده بودم و دروغ گفتم (و قصدم فقط تمسخر تو بود). ولی یوسف پیامبر پاسخ داد: «قضى الأمر»، «آن مسأله (و تعبیر خواب من) تحقق یافت (و دیگر از آن راه گریزی نیست)». در نهایت سخن یوسف صدیق محقق شده و آن زندانی را فردا به دار آویختند.

این مقام یوسف است که چون حکم به مطلبی می کند، به وقوع می پیوندد. پس بنگر مقام بزرگ ترین صدیقان الهی، یعنی سید و سرور تمام انبیا و اولیا، صدیق اکبر علی مرتضی و همچنین سید و سرور تمام بانوان عالمیان، صدیقه کبری فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه علیهما کجا و چگونه است؟

ایکنا _ همانطور که به نیکی می دانیم حضرت امیر(ع) قرآن ناطق و حق مسلم است و اندیشمندان و الهی دانان جهان فارغ از دین و مذهب به بررسی اندیشه های سترگ حضرتش پرداخته اند، در نگاه شما به عنوان یکی از صاحب نظرانی که در این موضوع تمرکز و توجه داشته است، امیرالمؤمنین(ع) در سایر ادیان چه جایگاهی دارد؟

با یک جست و جوی ساده می توان فهمید که هر شخص بزرگ و صاحب نظری در هر دین و آیینی که با انصاف بوده و قلبی سلیم دارد، در برابر عظمت مولا و سید و سرور جهانیان، امیرمؤمنان علی علیه السلام سر تعظیم فرود آورده و از او به بزرگی و عظمت یاد نموده و او را مدح و ثنا کرده است و این فقط افراد نادان یا شیطان صفت هستند که می خواهند نور خدا، یعنی علی عالی اعلی صلوات الله علیه را با فوت دهانشان خاموش کنند «و الله متم نوره و لو کره المشرکون»، «در حالی که خداوند تکمیل کننده نور خویش است، گرچه کافران کراحت داشته باشند» و روزی خواهد آمد که با ظهور مولانا و صاحبنا حجة بن الحسن المهدی عج الله فرجه الشریف، نام علی علیه السلام و شعار «علی ولی الله» جهانی شده و شرق و غرب عالم را فرا می گیرد.

ایکنا _ به نظر شما رسانه ها برای میل مخاطبان خویش به خردورزی بیشتر و تقویت بنیان های دینی باید چه راه هایی را دنبال کنند؟

سلطان سریر ارتضاء، مولانا علی بن موسی الرضاء، علیه آلاف التحية و الثناء وظیفه همگان، علی الخصوص اصحاب رسانه را در این مورد مشخص نموده و فرموده است: «رحم الله عبداً أحيا أمرنا»، «خدا بنده ای که امر ما را احیا می کند مورد لطف و رحمت خویش قرار دهد». راوی می گوید: عرض کردم: امر شما چگونه احیا می شود؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: «یتعلم علومنا و یعلمها الناس. لو علموا محاسن كلامنا لأتبعونا»، «علوم ما را بیاموزد و سپس به مردم یاد دهد. اگر مردم محاسن و زیبایی های کلام ما را بدانند، بی شک از ما تبعیت و پیروی می کنند. (در نتیجه در دنیا و آخرت سعادت مند و رستگار می شوند)». لذا تبلیغ و تعلیم علوم اهل البیت علیهم السلام به مردم، تنها راه نجات و هدایت بشر است.

ایکنا _ توصیه شما به پژوهشگران و نویسندگان جواب برای تبیین مفاهیم عالی و متعالی دینی در قالب کتاب و مقاله چیست؟

بنده کوچک تر از آنم که توصیه ای برای زحمت کشان در مفاهیم و علوم دینی داشته باشم، ولی همان طور که در سؤال قبلی به حدیث و توصیه شمس الشموس و أنیس النفوس اشاره شد، امیدوارم خداوند متعال توفیق احیای امر چهارده نور پاک برگزیده خویش علیهم السلام را به همه ما عنایت فرماید.

ایکنا _ آنچه در ظرف پرسش های ما نبود و جای آن در این میان خالیست...

دوستان، عزیزان، سروران، بزرگواران، بنابر استدالات محکم و آیات و روایات بسیار زیادی: معرفت و شناخت امیرمؤمنان علی علیه السلام واجب ترین امور است. نشر فضائل و مناقب و سخنان امیرمؤمنان علی علیه السلام واجب شرعی است. روز غدیر، روز ظهور آشکار تمام هویت شیعیان بوده و احیای آن به مقدار توان هرکسی واجب است. حقیقت نماز امیرمؤمنان علی علیه السلام است که همه جا سخن از وجوب برپایی و اقامه صلاة است. بزرگ ترین معروف خدا، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و بدترین منکرش، بغض و دشمنی او؛ پس مهم ترین امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام، دعوت مردم به سمت علی علیه السلام و دور نمودن آن ها از دشمنان اوست.

اللهم اشهد أُنّی قد بلغْتُ
اللهم اشهد أُنّی قد نصحتُ
یا أرحم الراحمین

گفت وگو از محسن مسجدجامعی